

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۵ فبروری ۲۰۱۲



اعلامیه

فقط با اتکاء به بازوی توده ها

می توان پوزه اشغالگران غربی را به خاک مالید!

۲۳ سال از روزی می گذرد که عساکر قشون «سرخ» بعد از ۹ سال و ۵۰ روز اشغال کشور ما در ۲۶ دلو ۱۳۶۷، با ۱۳ هزار کشته و ده ها هزار زخمی و میلیاردها دالر خساره، با سر افکنده کشور ما را ترک گفتند.

اشغالگران روسی در این مدت کشور ما را به ویرانه مبدل ساختند، صدها روستا و دهکده را به آتش کشیدند، بیش از دو میلیون انسان را کشتند، اضافه از سه ملیون را زخمی ساختند و ۵ میلیون دیگر را بی خانمان کردند. اشغالگران با این همه جنایت و وحشت زخم های ناسوری را به کشور ما وارد کردند که بازسازی واقعی آن ها سال ها را در بر خواهد گرفت، و در فرجام برای کشور شوراها که زمانی افتخار تمامی جنبش های چپ و انقلابی جهان بود، جز بدنامی و شرمساری چیزی به ارمغان نیاوردند.

هجوم وحشیانه سوسیال امپریالیزم شوروی زیر نام کمونیزم و انترناسیونالیزم کارگری به افغانستان، باعث گردید تا شنیع ترین الفاظ از طرف دشمنان و مخالفان مارکسیزم علیه این علم به کار رود که در کنار خیانت های دیگر این یکی از بزرگترین خیانت های رویونیست ها مخصوصاً رویونیست های خروشچی به علم کمونیزم به شمار می رود. حزب دموکراتیک خلق نیز به نوبه خود به حیث پادو و نوکر سوسیال امپریالیزم با کشتار توده های زحمتکش ما از هیچ نوع خیانتی در این زمینه دریغ نکرد.

شکست سوسیال امپریالیزم شوروی سر آغازی برای تطبیق برنامه‌ها و ستراتیژی آسیائی و از قبل طراحی شده امپریالیست‌های امریکائی بود که با سگ جنگی‌های جهادیه‌ها در کابل، آن را آغاز و به منصهٔ اجراء گذاشتند. جهادی‌های خونریز به دستور بادران شان تا توانستند خون ریختند و کشور ما را ویران کردند و به تضادهای ملیتی دامن زدند. کابل با ۶۵ هزار کشته و هزاران زخمی به تلی از خاک مبدل گردید که با ظهور طالبان مزدور، پوقانهٔ دولت اسلامی ترکیب و آنان همچون موش‌های ترسو به سوراخ‌های خود خزیدند.

امارت قرون وسطائی طالبی، ادامهٔ نقشهٔ اشغال کشور ما و تطبیق دومین مرحلهٔ ستراتیژی امپریالیست‌های جنایتگستر امریکا بود که با تطبیق احکام شریعت اسلامی و تفتیش عقاید و کیبل زدن‌های اسلامی، در صدد کشتن روحیه و غرور مردم ما بودند، چیزی که ابدأ نتوانستند به آن دست یابند، و فقط به حیث نوکران زرخرید امپریالیزم راه را برای تجاوز این جناوران شاشوک باز کردند.

افغانستان با نجات از چنگال اشغالگران روسی، این بار در چنگ و دندان امپریالیست‌های خونخوار امریکائی و متحدین آن گیر کرده است. ده سال قبل، امپریالیست‌های امریکائی با بهانه قرار دادن حملات یازده سپتمبر و به قول لنین با شعارهای عوامفریبانهٔ «عدالت خواهی» و «رهائی بخشی»، کشور ما را از زمین و هوا مورد تاخت و تاز قرار دادند، و سگان «شورای نظاری» و «جمعیتی» شان با تکدی تمام، خواهان ریختن بم‌های کلانتر بر کشور ما شدند، زیرا این موش‌ها می‌دانستند که با بم‌ریزی‌های متواتر اشغالگران می‌توانند به حیات سیاسی شان ادامه دهند، در غیر آن توده‌های ستمدیدهٔ افغانستان، جنایات این جرثومه‌ها و دجالان را در کابل هنوز فراموش نکرده‌اند.

امروز که از خروج سرافکنندهٔ عساکر شوروی ۲۳ سال می‌گذرد، افغانستان کماکان یک کشور اشغالی و مستعمره باقی مانده است زیرا به گفتهٔ توده‌ها «اگر یک کشور ره بیرون کنیم، ۴۹ کشور آمده». وسعت جنایات و ویرانی‌هایی که امپریالیست‌های غربی انجام می‌دهند، به مراتب عمیق‌تر و خونین‌تر از تجاوز، خونریزی، کشتار و قتل عام سوسیال امپریالیزم شوروی می‌باشد و بی‌جهت نیست که مردم ما، هم سوسیال امپریالیست‌های شوروی و هم امپریالیست‌های امریکائی را سگان هاری می‌دانند که هر دو به خاطر سیاست‌های غارتگرانهٔ شان از قتل و قاتل زحمتکشان کشور ما خودداری نکرده‌اند.

سگان امریکائی با شاشیدن بر اجساد کشته‌ها در میدان جنگ نشان دادند که تا چه اندازه وحشی، درنده، «حقوق بشر» خواه و کثیف هستند. به همین ترتیب و ظنفروشی‌های دولت پوشالی کابل چهرهٔ سیاه و کثیف پوشالیان حزب دموکراتیک خلق را «سفید» ساخته است. همین امر سبب شده است که وطنفروشان مشهور خلقی و پرچمی بار دیگر در رسانه‌ها ظاهر شوند و با طمطراق به دفاع از جنایت‌ها و خیانت‌های شان بپردازند.

توده‌های زحمتکش ما درد تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی را با تمام وجود حس نمودند؛ فشار مضاعف جنگ و بدمستی‌های زمان اشغال و دورهٔ حاکمیت جهادی‌های جنایتکار و طالبان جاهل را متحمل شدند و هنوز از فشار روحی و روانی جنگ ضد روسی رهائی نیافته بودند که امپریالیست‌های

گوناگون از امریکائی گرفته تا اروپائی و آسیائی با کاردهای خونین «دموکراسی» و «حقوق بشر» به قصابی آنان پرداخته و در جهنم استعمار به سوی نابودی کشانده اند.

تا زمانی که جنبش انقلابی کشور ما با وحدت اصولی و انرژی بیشتر و با اتکاء به نیرو و بازوان ستبر توده ها در ستاد واحد رزمنده گردهم جمع نشود و رهبری مبارزه قاطع علیه استعمار و استثمار را به دست نگیرد، نه تنها اشغال کشور ما را پایانی نیست، بلکه هر روز با عقد پیمان های ستراتیژیک بین دولت پوشالی و امپریالیست های ریز و درشت، درد و رنج مردم ما بیشتر و عمیقتر می گردد.

مرگ بر امپریالیزم

در راه سوسیالیزم، به پیش!

سازمان انقلابی افغانستان

۲۶ دلو ۱۳۹۰